بسم‌الله الرحمن الرحیم

# پدر مهربان

## زندگی با سه طعم شیرین

چند ویژگی مشترک که باید همه‌مون در **زندگی** داشته باشیم:

1. «**تحمّل مخالف**؛ بله، تا یک کسی یک مختصر تنه‌ای زد به ما، ما برگردیم با مشت به سینه‌اش بکوبیم؛ این عدم تحمّل است. اسلام عکس این را از ما می‌خواهد؛ رُحَمآءُ بَینَهُم
2. ...**مؤدّب بودن**. حالا خیلی از شما قاعدتاً با فضای مجازی آشنایید؛ واقعاً در فضای مجازی ادب رعایت می‌شود؟ حیا رعایت می‌شود؟ خب نمی‌شود دیگر» (امام خامنه‌ای: 13/02/1395)

3. **نماز خواندن با حضور قلب**؛ «نماز به‌ جان‌ و دل‌ نمازگزار، **آن‌ آرامش‌ و اطمینانی‌ را که‌ شرط اصلی موفقیت‌ در همـه‌ عرصه‌های‌ زنـدگی‌ است‌، هدیه می‌کند** و تزلزل‌ و اضطراب‌ را که‌ مانع‌ بزرگی‌ در راه‌ اقدام‌ مُجدانه‌ (با جدیت) برای‌ پرورش‌ اخلاقی‌ است‌، از او دور می‌سازد.» (امام خامنه‌ای: 14/06/1374)

# برای دوستم چی بفرستم؟

مردان بزرگ هرگز شکست نمی‌خورند، چون بر این باورند که یا راهی باید یافت یا راهی باید ساخت.

# خنده این شماره؛

خیارشور چیست؟

شخصی است که خیار می‌شوید!

بابا من رو دست‌کم نگیرید، مدرسه استعدادهای درخشان قبول شدم ها، ولی نمی‌دونم چرا راهم ندادن!

خخخخ

# مراقبه؛

## چرا مردها وقتی گریه می‌کنند، دست‌ بر چشم می‌گذارند؟

مردها وقتی گریه می‌کنند، دست‌ بر چشم‌شان و زن‌ها وقتی گریه می‌کنند، دست‌شان بر دهان‌شان است.

سرچشمه بیش‌تر گناهان مردان چشمان‌شان است و سرچشمه بیش‌تر گناهان زنان دهان‌شان است.

حجابِ گفتار و چشمت را رعایت کن!

# یاد یاران:

## کتاب فیزیک در خط مقدم

مشغول تفحص پیکر شهدا بودیم. شهیدی را پیدا کردیم. سال 72 بود و حدود 10 سال از شهادتش مى‌گذشت؛ نزدیک که شدم، از قد و بالاى او تشخیص دادم که باید نوجوانى باشد حدود 17 - 16 ساله.

بر روى پیکر، برجستگى‌اى نظرم را به خود معطوف کرد؛ جلوتر رفتم، در کمال حیرت و تعجب متوجه شدم یک کتاب و دفتر زیر لباسش گذاشته بوده، کتاب فیزیک بود و یک دفتر که در صفحات اولیه آن بعضى از دروس نوشته‌شده بود و به همراه خودکارى که لاى دفتر بود.

او قمقمه و وسایل اضافى همراه خود نیاورده و نداشت، ولى کسب دانش آن‌قدر برایش مهم بوده که در بحبوحه عملیات کتاب و دفترش را با خود جلو آورده بوده تا هرجا از رزم فراغتى یافت، درسش را بخواند.

براساس: فارس

# هوش و سرگرمی:

## یک معما، یک چیستان

### چیستان

بار بر دوشم می‌گذارند اما نه برای بارکشی. همیشه عادل هستم. از من صدایی نمی‌شنوید اما به من نگاه می‌کنید و پاسخ خود را می‌گیرید.

### معما

یک شخص کر و لال می‌خواهد مسواک بخرد. با درآوردن ادای مسواک زدن، خواسته‌اش را به فروشنده می‌فهماند و موفق به خرید مسواک می‌شود.

در همین حال شخص کوری وارد مغازه شده و می‌خواهد عینک آفتابی بخرد. او چگونه باید فروشنده را متوجه منظور خود کند؟

پاسخ چیستان:

ترازو

پاسخ معما:

شخص کور، لال که نیست. پس به فروشنده می‌گوید عینک آفتابی می‌خواهم.

# یک پیشنهاد

## دختران آفتاب

عنوان کتاب: دختران آفتاب/ نویسنده: [امیرحسین بانکی پور فرد،](http://bookroom.ir/people/11076/%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%B1%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D9%86%DA%A9%DB%8C-%D9%BE%D9%88%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D8%AF) [بهزاد دانشگر](http://bookroom.ir/people/2333/%D8%A8%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%B1)، [محمدرضا رضایتمند](http://bookroom.ir/people/14436/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B1%D8%B6%D8%A7-%D8%B1%D8%B6%D8%A7%DB%8C%D8%AA%D9%85%D9%86%D8%AF) /ناشر: انتشارات سروش/ تعداد صفحات: 480 صفحه / قطع وزیری/ قیمت: 25000 تومان، چاپ 1394

حجمش زیاد است ولی حرف‌های خواندنی درباره زن، خانواده و جامعه با سبک «داستان مقاله» دارد. مباحث کتاب در حین برگزاری یک اردوی ده‌روزه‌ دخترانه‌ دانشجویی از دانشگاه تهران اتفاق می‌افتد که به‌قصد زیارت امام رضا علیه‌السلام راهی مشهد شده‌اند. بحث‌های کتاب، جواب گفت‌وگوهای تربیتی و نقدهای اجتماعی و شوخی جمع‌های خانوادگی است. کتاب برای والدین رفع کننده‌ برخی گره‌های ذهنی در روابط عاطفی‌شان است و همچنین کلیدهای خوبی از نیازهای تربیتی فرزندان را در اختیارشان قرار می‌دهد و برای فرزندان و به‌ویژه دختران، آگاهی و ترسیم فضای آینده و پیش‌رو را به دست می‌دهد.

رهبر انقلاب نیز بر این کتاب تقریظی نوشته‌اند.

# دانستنی‌ها؛

## تلاش 200 ماهیچه!

1. آیا می‌دانستید پیاز برای پیشگیری از سرطان و سنگ کلیه خوب است؟
2. آیا می‌دانید شما برای برداشتن یک قدم 200 ماهیچه را به کار می‌گیرید؟

# حکایت

## موعظه شیطان

روزی شیطان با بنده‌ای هم‌سفر شد. موقع نماز، بنده نماز نمی‌خواند. موقع خواب شیطان به بنده گفت من با تو زیر یک سقف نمی‌خوابم، چون پنج وقت نماز تو قضا شد، می‌ترسم غضبی از آسمان بر این سقف نازل بشود که من را هم در بربگیرد.

بنده گفت: تو شیطانی و من بنده خدا، چطور بر من غضب نازل می‌شود؟

شیطان در جواب گفت: **من فقط یک سجده به بنده خدا نکردم و از بهشت رانده شدم درصورتی‌که تو باید چند سجده به خالق می‌کردی و نکردی. وای به حال تو که از من بدتری!**

از پاهایی که نمی‌توانند انسان را به خواندن نماز ببرند، نمی‌توان انتظار داشت که انسان را به بهشت ببرند!

# یادداشت اول

## بیت‌المال، حق‌الناس بزرگ

نوشتن با ماژیک روی تخته مدرسه، یا هدر دادن آب یا برق مدرسه و یا حتی نوشتن یک یادگاری کوچک روی دیوار مدرسه و... همه و همه شاید فقط یک بی‌احتیاطی کوچک به نظر برسد، اما همین کارهای به‌ظاهر کوچک، حق‌الناس زیادی را پایمال می‌کند. **چون این اموال با مشارکت افراد زیادی تهیه شده و سوءاستفاده از هر کدام از آن‌ها یعنی پایمال کردن حق تمام آن افراد!** بنابراین حتی در صورت پشیمانی، جبران آن خیلی سخت خواهد بود.

بر طبق این قاعده که شیطان گام‌به‌گام انسان را به دام گناه می‌کشاند، همه آن کسانی که در بزرگ‌سالی به بیت‌المال دست‌درازی می‌کنند، احتمالاً روزی در نوجوانی در مورد اموال بیت‌المال بی‌احتیاطی داشته‌اند. **پس باید نسبت به بیت‌المال خیلی حساس باشیم، خیلی...**

# احکام

## بی‌توجهی به نماز جمعه

اصلاً ارزشی برای شرکت کردن در نماز جمعه قائل نیست و سالی دوازده‌ماه در آن شرکت نمی‌کند.

این در حالی است که ترک حضور به دلیل اهمیت ندادن به نماز جمعه شرعاً مذموم است.

متن دقیق رساله:

نظر جنابعالی در مورد شرکت نکردن در نماز جمعه بر اثر بی‌مبالاتی، چیست؟

ج: ترک حضور و شرکت نکردن در نماز عبادى سياسى جمعه به خاطر اهميت ندادن به آن، شرعاً مذموم است.

اجوبة الاستفتائات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، س 608

# در محضر قرآن

## شرمگاه و دو لباس

**تعارف را کنار بگذاریم. عورت یا شرمگاه، عضوی از بدن است که می‌تواند ما را بهشتی یا جهنمی کند. پس باید حواس‌مان جمع باشد!**

\*\*\*

وقتی حضرت آدم و حوا (علیهماالسلام) از درخت ممنوعه خوردند، اولین اتفاقی که افتاد این بود که شرمگاه‌شان آشکار شد. جالب است که آن‌ها سریع شروع کردند به پوشاندن شرمگاه خود. این یعنی انسان فطرتاً دوست دارد پوشیده باشد. حالا خدا انواع و اقسام لباس‌ها را برای ما قرار داده که خود را بپوشانیم، اما عجیب است که دنیای امروز تلاش می‌کند برای ترویج برهنگی.

راه نجات از این عریانی‌ها و بی‌حیایی‌ها، این است که لباس دیگری بر تن بپوشانیم که دیگر ظاهری نیست؛ بلکه «لباس تقوا» است:

**وَ لِباسُ التَّقْوى‏ ذلِكَ خَيْرٌ[[1]](#footnote-1)**

لباس تقوا و پرهیزکاری بهتر است.

**کاش هر روز که در مقابل آینه قرار می‌گیریم و لباس‌هایمان را مرتب می‌کنیم؛ به میزان تقوای خود هم بیندیشیم. نکند ظاهراً پوشیده ولی واقعاً برهنه باشیم!**

# در محضر اهل‌بیت

## فرصتی تا لحظه مرگ

**داستان خلقت را که می‌خوانی، اعتراض می‌کنی که چرا شیطان این‌قدر قوی است و تو این‌قدر ضعیف. ولی گویا این‌جوری‌ها هم نیست...**

\*\*\*

حضرت آدم (علیه‌السلام) به خدا عرض کرد: پروردگارا، شیطان را بر من مسلط کردی... پس برای من هم چیزی قرار بده. خدا فرمود: ای آدم! اگر فرزندان تو نیت کار بدی بکنند، برای آن‌ها چیزی نوشته نمی‌شود و اگر آن کار بد را انجام دهند، فقط یک بدی برایشان نوشته می‌شود. اما برای نیت خوب، یک خوبی و برای انجام آن ده‌برابر خوبی نوشته می‌شود.

آدم (علیه‌السلام) عرض کرد: خدایا بیش‌تر بده! خدا فرمود: اگر کسی از بدی‌اش استغفار کرد، می‌بخشمش. آدم باز بیش‌تر خواست. خدا فرمود:

**بَسَطْتُ لَهُمُ التَّوْبَةَ حَتَّى تَبْلُغَ النَّفْسُ هَذِهِ[[2]](#footnote-2)**

فرصت توبه را برایشان زیاد کردم. پس تا وقتی جان به گلو برسد، انسان می‌تواند توبه کند.

**با این جمله، آدم (علیه‌السلام) آرام گرفت. آیا ما قدر این فرصت را می‌دانیم؟**

## سؤالات

1. در محضر قرآن- بهترین لباس چیست؟
   1. لباسی که شرمگاه را بپوشاند.
   2. برگی که حضرت آدم (علیه‌السلام) استفاده کرد.
   3. لباس تقوا که هم ظاهر را می‌پوشاند و هم باطن را.
2. در محضر اهل‌بیت- بالاترین نعمتی که خدا به ما داده است تا در مقابل شیطان بایستیم، چیست؟
   1. نیت بد را نمی‌نویسد.
   2. فرصت توبه داده است.
   3. نیت خوب را می‌نویسد و کار خوب را ده برابر پاداش می‌دهد.

احکام- آیا می‌توان به خاطر اهمیت ندادن به نماز جمعه آن را ترک کرد؟

1. خیر، این کار شرعاً مذموم است.
2. بله، مگر این‌که بی‌احترامی به جامعه مسلمین تلقی شود.
3. بله، مگر این‌که همسایه باشد.

یادداشت اول- چرا باید نسبت به استفاده صحیح از بیت‌المال حساس باشیم؟

* چون با توبه کردن قابل جبران نیست.
* چون با پایمال شدن بیت‌المال حق‌ افراد زیادی پایمال خواهد شد.
* چون دسترسی به بیت‌المال خیلی آسان است.

1. اعراف/ 26 [↑](#footnote-ref-1)
2. الكافي (ط - دارالحديث)، ج‏4، ص: 241 [↑](#footnote-ref-2)